سفرهای استانی بدون لابی‌گری سیاسی

دولت در سال اول فعالیت خود یک ماه از عمرش را در استان‌های کشور و سپری کرده است

۱۰

هیأت رئیسه شورای ششم با همان ترکیب قبلی

چمران با رأی قاطعانه اعضا رئیس شورای شهر تهران باقی ماند

۱۲

تلاش برای دور زدن قانون هوای پاک

معاون وزیر صمت خواستار پایان دادن به ارائه گواهی اسقاط وسایل نقلیه فرسوده شد

۱۴

همشهری جامعه

دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ ■ ۱۷ محرم ۱۴۴۴ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۶۶

عکس: همشهری/محمدعلی حلیمی

۸ عامل طلاق زوج‌های مرفه

برخلاف تصور عموم که مسائل اقتصادی را عامل اصلی جدایی‌ها می‌دانند، آمارها نشان از پیشتازی طبقه مرفه در طلاق دارند، علت چیست؟

گزارش
فاطمه عسگری‌نیا
روزنامه‌نگار

طلاق، آسیب اجتماعی‌ای که خیلی‌ها گمان می‌کنند زاده فقر و بیکاری است، اما این روزها در میان قشر مرفه یا به‌اصطلاح جامعه، بچه پولدارها، بیشتر از قشر متوسط و حتی فقیر شده است. خیلی‌ها به شوخی و خنده می‌گویند بچه پولدارها در طلاق هم از دیگر اقشار جامعه پیش هستند. حرف‌های معاون اجتماعی وزیر کشور در دیدار مردادماه خود با تولیت آستان مقدس قم هم مهر تأییدی بر این گفته و شنیده‌هاست. او گفت عده‌ای بدون درنظرگرفتن ریشه‌ها و علل اصلی طلاق، فقر و بیکاری را علت اصلی معرفی می‌کنند این در حالی است که بیشترین طلاق‌ها در میان قشر ثروتمند اتفاق می‌افتد. البته این نخستین‌باری نیست که آمار بالای طلاق در میان قشر مرفه سرزبان‌ها می‌افتد. علی مطهری، نایب‌رئیس مجلس دهم در تاریخ ۱۷دی‌ماه۹۷ یکی از نخستین افرادی بود که پرده از این موضوع برداشت و در یک سخنرانی رسمی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: «آمار طلاق در شمال تهران و مناطق مرفه بیشتر است و همین نشان می‌دهد ریشه اصلی طلاق مسائل فرهنگی است نه اقتصادی.» سازمان ثبت احوال کشور هم در همان سال اعلام کرد بررسی جغرافیای شهری در میزان طلاق‌ها نشان می‌دهد منطقه شمیرانات تهران رتبه یک طلاق را دارد.

این روزها که مشکلات اقتصادی عرصه زندگی را بر بخش عظیمی از جامعه تنگ کرده، باعث شده تا برخی کارشناسان حوزه اجتماعی زنگ خطر افزایش طلاق و از هم پاشیدگی کانون‌های خانواده را در سایه این مشکلات به صدا درآورند. این در حالی است که آمارهای موجود حکایت از آن دارد که شاید مشکلات اقتصادی یکی از علل وقوع طلاق در جامعه باشد، اما علت اصلی نیست؛ چراکه بیشترین طلاق‌های ثبت‌شده در قشر مرفه به‌دور از هرگونه مشکلات اقتصادی به ثبت رسیده است. براساس گزارشی که مرکز ملی آمار ایران در سال ۱۳۹۸ منتشر کرد، درحالی‌که بیش از ۵۳۰هزار ازدواج در یک سال ثبت شد، بیش از ۱۷۴هزار طلاق نیز ثبت شد. بنابراین می‌توان دریافت که ۳سال قبل، طبق این آمار به ازای هر ۳ازدواج در ایران یک طلاق ثبت شد. با این حال، این موضوع زمانی چالش‌برانگیزتر می‌شود که طبق آخرین آمارهای ازدواج و طلاق‌ها در سال گذشته از هر ۳ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است. مجموع ازدواج کشور در تابستان ۱۴۰۰، به میزان ۱۳۴هزارو ۲۰۸ مورد بوده است.

طبق بررسی‌های انجام‌شده اگرچه از یک طرف بی‌مسئولیتی، بی‌احترامی و بی‌توجهی ۳ عامل عمده طلاق در سال گذشته اعلام شد، اما طبق آنچه آمارها نشان می‌دهد و مسئولان نیز درباره این معضل هشدار می‌دهند، ظاهرا طلاق در محله‌های مرفه‌نشین بیشتر به چشم می‌خورد.

علی اسماعیلی، متخصص روانشناسی و زوج‌درمانگری که سابقه فعالیتش در این حوزه به ۲۷سال می‌رسد، می‌گوید: بخش اعظم مشاوره‌های ما اختلافات خانوادگی زوجین مرفه و ثروتمندی است که راهی جز طلاق برایشان باقی نمانده است؛ «برخلاف آنچه همه گمان می‌کنند اعتیاد و اقتصاد علت اصلی طلاق در بین قشر مرفه نیست که امروز بیشترین آمار طلاق‌ها را به‌خود اختصاص می‌دهند.»

آنچه او امروز در میان پرونده مراجعانش به‌عنوان عامل اصلی اختلاف و جدایی با آن روبه‌روست، مسئله خیانت یا تصور خیانت است که به اعتقاد این روانشناس ریشه در آگاهی نداشتن زوج‌ها از مهارت‌های زناشویی دارد: «عمده اختلافات زوجین در قشر مرفه یا به‌اصطلاح بالاشهرنشین تناسب نداشتن سبک‌های زندگی خانواده‌ها و تفاوت‌های فرهنگی آنهاست. همین مسئله باعث می‌شود تا آنها در رابطه‌های زناشویی خود نیز با اختلاف‌نظرهای فراوان روبه‌رو بوده و این اختلاف‌ها زندگی‌شان را از مسیر عادی خارج کند.»

به‌گفته او، تسلط نداشتن به مدیریت شرایط زندگی در سایه آموزش‌ندیدن مهارت‌های زندگی باعث قطع ارتباط عاطفی، شکسته‌شدن تعهدها و در نهایت خیانت آنها به همدیگر می‌شود.

روشنفکری پوچ؛ عامل اصلی طلاق

برخلاف این روانشناس، یکی از قضات دادگستری معتقد است با توجه به تغییرات سبک زندگی و فرهنگ زندگی زوج‌ها در مناطق بالای شهر یا همان طبقه مرفه که در میان خودشان به نوعی روشنفکری هم تعبیر می‌شود، خیانت عامل اصلی جدایی افراد نیست: «امروز ما در جامعه با پدیده‌هایی روبه‌رو هستیم که‌گاه چارچوب‌های فرهنگی و اعتقادی‌مان مانع از حتی نام بردن آنها می‌شود. از ازدواج‌های سفید گرفته تا سوئیچ‌پارتی‌هایی که در سایه به‌اصطلاح روشنفکری پوچ قشر مرفه به‌راحتی در میان جوان‌ها پذیرفته شده است. در بین این به اصطلاح روشنفکران مرفه نه ارتباط مرد با زنان دیگر زشت و دور از اخلاق است نه معاشرت زن با مردان دیگر و زوجین این مسئله را به‌راحتی در بین خود پذیرفته‌اند و تعصبی نسبت به هم ندارند. در نتیجه به‌خاطر این شرایط نمی‌توان ادعا کرد عامل اصلی طلاق‌های قشر مرفه خیانت است.»

به اعتقاد محمدی، که سابقه رویارویی با بسیاری از این زوج‌ها را در دادگاه‌های قضایی داشته، ۸عامل در طلاق قشر مرفه و بالابودن آمار جدایی‌ها در این بخش مؤثر است: «یکی از علل مؤثر در جدایی‌های قشر مرفه عامل حقوقی است که ازجمله آن می‌توان به واگذاری وکالت‌نامه‌های اعمال حق طلاق به زنان اشاره کرد؛ موضوعی که متأسفانه در مناطق مرفه‌نشین باب شده و به‌راحتی در دفاتر اسناد رسمی انجام می‌شود لذا زوجه با در دست داشتن این وکالت‌نامه بدون حضور همسر در زمانی کوتاه و با در اختیار گرفتن یک وکیل به‌راحتی می‌تواند مراحل طلاق را بی‌دردسر طی کند.»

برخلاف تفکر همه که معتقدند عوامل اقتصادی نقشی در طلاق زوجین مرفه جامعه ندارد، این کارشناس حقوقی معتقد است اتفاقا عوامل اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر جدایی‌ها در قشر مرفه است با شکل و شمایلی متفاوت! در میان این قشر زنان به واسطه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی رده بالا از استقلال مالی خوبی برخوردارند و زندگی وابسته به همسر ندارند، بنابراین راحت‌تر می‌توانند نسبت به جدایی تصمیم گرفته و در این مسیر پیش روند. از سوی دیگر ورشکستگی‌های اقتصادی سرمایه‌داران و به‌هم‌ریختن سبک زندگی خانواده‌های آنهاست که در نهایت کانون خانواده را به سمت جدایی رهنمون می‌سازد.

تب مهاجرت و طلاق

در میان علل و عواملی که سیدمحمود محمدی برمی‌شمارد، عوامل جامعه‌شناختی هم سهمی برای خود در طلاق قشر مرفه دارند: «یکی از عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق زوجین مرفه، تب مهاجرت و مخالفت یکی از زوجین است. مرد و زن هم ندارد و ممکن است از سوی هرکدام از زوجین مطرح و باعث ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده‌شان شود.»

او البته با اشاره به تنوع‌نژادی که در جوامع شهری به‌خصوص تهران وجود دارد، می‌گوید اختلاف نژادی و فرهنگی هم از دیگر عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق زوجین قشر مرفه است: «بی‌توجهی به اختلاف نژادی و فرهنگی در هنگام ازدواج در میان اقشار مرفه باعث شده به‌رغم نداشتن مشکلات اقتصادی، ادامه زندگی برای زوجین ممکن نباشد. ضمن اینکه در کنار این عوامل جامعه‌شناختی نمی‌توان از بی‌بندوباری و بی‌اعتمادی عمومی هم حرفی نزد.»

این کارشناس حقوقی در ادامه به عوامل روان‌شناختی مؤثر در جدایی زوجین قشر مرفه اشاره می‌کند و معتقد است چیزی که ما امروز از آن به‌عنوان لجام‌گسیختگی امیال یاد می‌کنیم و قدیمی‌ها به آن چشم و هم‌چشمی می‌گفتند، یکی از عوامل مؤثر بر گشایش پرونده‌های طلاق در بین قشر مرفه است: «رقابت برای داشتن زندگی لوکس‌تر در قیاس با دیگران یکی از مهم‌ترین عوامل جدایی‌ها در مناطق ثروتمندنشین است؛ موضوعی که همواره باعث دورشدن زوجین از همدیگر و جلب توجه آنها به حاشیه‌های زندگی می‌شود.» محمدی نبود قناعت و اختلالات خلقی را از دیگر مصداق‌های علل روان‌شناختی طلاق‌های قشر مرفه برمی‌شمارد و می‌گوید: «نبود قناعت به‌خاطر برخورداری از ثروت کافی همواره مورد اختلاف زوجینی است که ما آنها را در دادگاه‌های خانواده‌های مرفه شهر ملاقات می‌کنیم.»

تکنولوژی بی‌تقصیر نیست

از همه علل و عوامل مؤثر بر طلاق زوجین مرفه که بگذریم، نمی‌توان چشم روی تأثیر عامل تکنولوژی بر ثبت طلاق پولدارها بست. شاید بپرسید چگونه؟ محمدی با تعبیر سوءاستفاده از فضای مجازی از آن یاد می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه فضای مجازی و استفاده از آن در بین اقشار مرفه گاه بسترساز اغلب عواملی است که تا به اینجا به آنها اشاره کردیم؛ از مد و مدگرایی گرفته تا چشم و هم‌چشمی‌هایی که متأسفانه هر روز به شکل و شمایلی در صفحات مجازی پولدارها تبلیغ می‌شوند.»

شاید باورتان نشود اما حتی زیست‌بوم هم در طلاق پولدارها مؤثر است. همین برج‌های بلندبالایی که مثل قارچ در گوشه و کنار مناطق مرفه‌نشین رشد کرده‌اند، یکی از علل طلاق‌های این گروه است. محمدی با تأیید این مطلب می‌گوید: «برج‌نشینی و علاقه به این سبک زندگی از سوی یک طرف از زوجین در خیلی از پرونده‌های طلاق عامل ثبت طلاق‌های قشر مرفه است.»

نبود فرزند مشترک

آمار طلاق‌های ثبت‌شده در مناطق بالای شهر را که ورق می‌زنیم، نشان می‌دهد عمر خیلی از زندگی‌ها به بیش از ۴ تا ۵سال نمی‌رسد. سیدمحمود محمدی علت اصلی این مهم را عوامل جمعیتی مؤثر بر طلاق قشر مرفه می‌داند و می‌گوید: «نبود فرزند مشترک بین زوجین ثروتمند باعث شده تا این افراد خیلی راحت‌تر و بی‌دغدغه نسبت به جدایی فکر کنند و تلاشی هم برای رفع مشکلاتشان نداشته باشند.» این کارشناس حقوقی در ادامه با اشاره به دیگر عوامل مؤثر در ثبت طلاق میان اقشار مرفه و زوجین ثروتمند، می‌گوید آخرین عاملی که آمار قابل‌توجهی از گشایش پرونده‌های طلاق را در محاکم قضایی دارد، مسائل رفتاری هستند: «رویکردهای فمینیستی زنان یکی از این عوامل رفتاری است. زنانی که دوست دارند در پوشش رفتار و گفتارشان تصمیم‌گیرنده نهایی خودشان باشند و این رفتار در میان خیلی از مردان پذیرفته نیست، چراکه معتقدند جایگاه عرفی زن در خانواده چنین اجازه‌ای به آنها نمی‌دهد. همین تفکرات باعث بروز اختلافات حتی بین زوج‌های مرفه می‌شود و فتح بابی است در فصل جدایی آنها.»

گسست شبکه خانوادگی

محمدی همینطور که عوامل رفتاری مؤثر بر طلاق زوج‌های مرفه را برمی‌شمارد، به گسست شبکه خویشاوندی اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مسئله باعث شده تا دیگر طلاق بین خانواده‌ها قبیح نباشد. اگر در گذشته خانواده‌ها برای حفظ آبرو سعی بر جلوگیری از فروپاشی زندگی فرزندانشان داشتند، حالا به واسطه کاهش صله‌رحم و رفت‌وآمدها، خانواده‌ها نیز سعی و تلاشی برای حفظ زندگی فرزندان خود نمی‌کنند.» او در پایان اینگونه جمع‌بندی می‌کند که در میان تمام عوامل مؤثر بر طلاق زوجین در بین اقشار مرفه، یکی استقلال مالی زنان و دومی رویکردهای فمینیستی در تقابل با جایگاه عرفی زن بیشترین نقش را در ثبت طلاق‌های ثروتمندان دارند.

نکته

تقویت بنیان‌های فرهنگی خانواده

طلاق در میان قشر ثروتمند این روزها به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم از سوی کارشناسان اجتماعی و دغدغه‌مندان این حوزه مطرح است؛ موضوعی که به اعتقاد خیلی از کارشناسان ریشه در مشکلات فرهنگی دارد و لازم است تا با آسیب‌شناسی و تحلیل علل و عوامل مؤثر بر آن به چاره‌اندیشی درباره آن پرداخت. مسعود کربلایی حسن، از فعالان حوزه خانواده معتقد است تقویت بنیان‌های ارزشی در میان اقشار مرفه می‌تواند نقش مؤثری در کاهش پرونده‌های طلاق داشته باشد. در میان خانواده‌هایی که مشکلات اقتصادی هیچ نقش و جایگاهی در بروز طلاق ندارد، باید به تقویت ریشه‌های فرهنگی خانواده پرداخت تا بتوان از این طریق نسبت به تقویت بنیان‌های خانواده‌ها اقدام کرد.

خلاصه گزارش

براساس مرکز ملی آمار ایران در سال ۱۳۹۸، در حالی که بیش از ۵۳۰ هزار ازدواج در یک سال ثبت شد، بیش از ۱۷۴ هزار طلاق نیز ثبت گردید. بنابراین می‌توان دریافت که ۳ سال قبل، طبق این آمار به ازای هر سه ازدواج در ایران یک طلاق ثبت شد.

با این حال این موضوع زمانی چالش برانگیزتر می‌شود که طبق آخرین آمارهای ازدواج و طلاق‌ها در سال گذشته ازهر سه ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است. مجموع ازدواج کشور در تابستان ۱۴۰۰، ۱۳۴ هزارو ۲۰۸ مورد بوده است

علی اسماعیلی متخصص روان‌شناسی و زوج درمانگری: عمده اختلافات زوجین در قشر مرفه یا به اصطلاح بالا شهرنشین برخلاف زوج‌های ساکن در مناطق پایین شهر مشکلات اقتصادی یا اعتیاد نیست بلکه مسائل فرهنگی یا همان عدم تناسب سبک زندگی خانواده‌ها و تفاوت‌های فرهنگی آنها بر می‌گردد. این اختلافات فرهنگی یکی از علل اصلی بروز اختلافات بین زوجین مرفه است از سوی دیگر تجهیز نبودن زوج های مرفه به مهارتهای زندگی باعث شده تا در سال‌های نخست زندگی از هم فاصله بگیرند و تداوم این رفتار به شکسته شدن تعهدها و در نهایت خیانتشان به هم می انجامد

سید محمود محمدی کارشناس حقوقی در جدایی زوج های طبقه مرفه ۸ عامل موثر است. عوامل حقوقی، عوامل اقتصادی، عوامل جامعه شناختی، عوامل روانشناختی، عوامل تکنولوژی، عوامل زیست بومی عوامل جمعیتی و عوامل رفتاری، این ۸ عامل را تشکیل می دهند. در میان عوامل حقوقی واگذاری وکالت نامه‌های اعمال حق طلاق به زنان بسیار رایج است. موضوعی که متأسفانه در مناطق مرفه نشین باب شده و به راحتی در دفاتر اسناد رسمی انجام می‌شود همین مسئله باعث شده تا روند طلاق برای زوجه آسان‌تر شود. در بعد جامعه شناختی هم می توان به تب مهاجرت بین زوجین اشاره کرد موضوعی که این روزها بسیار رایج است. در میان تمام عوامل مؤثر بر طلاق زوجین در بین اقشار مرفه یکی استقلال مالی زنان و دومی رویکردهای فمینیستی در تقابل با جایگاه عرفی زن بیشترین نقش را در ثبت طلاق‌های ثروتمندان دارند

گفت‌وگو

تمام بهانه‌های زوج‌های ثروتمند برای جدایی

گپ‌وگفت با روان درمانگر درباره طلاق میان قشر مرفه

تصویری که همه ما از طلاق داریم رواج آن بین خانواده‌های فقیر یا گرفتار اعتیاد است که عمدتاً در مناطق پایین شهر اتفاق می‌افتد. این در حالی است که آمارهای ثبت شده حکایت از آن دارد که طلاق در میان قشر ثروتمند بیش از سایر اقشار جامعه رواج دارد. رعنا حسینی روان‌درمانگر خانواده در گپ‌وگفتی با روزنامه همشهری در این‌باره توضیح داده است.

به‌نظر شما چرا باید زوج‌های ثروتمند بیش از سایر زوجین با چالش طلاق درگیر باشند؟

بخش مهمی از این مسئله ریشه در تربیت خانوادگی این افراد دارد. زوج‌هایی که بدون تجربه کوچک‌ترین مشکلات دوره‌های مختلف سنی را گذرانده‌اند و حالا در دوران جوانی و دوره تجربه زندگی مشترک می‌خواهند یکباره با کوهی از مشکلات روبه‌رو شوند در نتیجه قدرت تمییز مشکلات را ندارند و از آستانه صبر خوبی هم برخوردار نیستند لذا در برابر کوچک‌ترین چالش یا موضوعی به جبهه‌گیری در برابر هم می‌پردازند و این می‌شود آغاز اختلافات آنها.

در واقع معتقدید چون قدرت نه شنیدن را ندارند به این مرحله می‌رسند؟

بله درسته. متأسفانه در میان خانواده‌های ثروتمند فرزندانی پرورش می‌یابند که برای دسترسی به هر خواسته‌ای تمامی امکانات لازم را داشته‌اند؛ از ثروت گرفته تا حمایت‌گرانی قوی و همیشه درصحنه‌ای مانند پدر و مادر. این در حالی است که در زندگی مشترک شرایط تغییر کرده و هرکدام از آنها حالا با دنیای متفاوتی در برابر خواسته‌هایشان روبه‌رو هستند. اما قدرت نه شنیدن را هم از طرف مقابل ندارند! این مسئله باعث می‌شود تا سر کوچک‌ترین موضوعی با هم به اختلاف خورده یا پای خانواده‌ها را برای حل مشکلات به میان بکشند یا در تقابل با هم سعی بر دسترسی به خواسته‌هایشان داشته باشند.

تقابل‌هایی که در کنار غرورهای ثروتمندانه‌شان هم دردسرساز می‌شود؟

بله متأسفانه زوج‌های ثروتمند به‌خاطر شرایط زندگی گاهی بسیار مغرور هستند و فکر می‌کنند همسرشان هم باید آنها را همانطور که هستند بپذیرند این در حالی است که به‌دلیل اختلافات فرهنگی و سبک زندگی این امر ممکن نیست. وقتی به‌رغم این مشکلات زوجین به‌خاطر غرورشان هیچ تلاشی برای بهبود شرایط ندارند زندگی آنها کم‌کم به‌سوی نابودی پیش می‌رود.

مهارت‌های زندگی یکی از لازمه‌های هر زندگی مشترک است، به‌نظر شما زوج‌های ثروتمند آیا مجهز به این مهارت‌ها هستند؟

نمی‌توان گفت همه زوج‌ها اما بخش قابل‌توجهی از زوجین ثروتمند به‌دلیل وابستگی شدید به خانواده‌هایشان به‌خصوص در بعد اجتماعی و اقتصادی از مهارت‌های کافی زندگی برخوردار نیستند. به‌خصوص در بخش مهارت‌های مالی بسیار ضعیف هستند و همین مسئله باعث می‌شود تا به‌رغم برخورداری از ثروت کافی نتوانند مدیریت خوبی در زندگی داشته باشند و چه بسا با مشکلات اقتصادی هم روبه‌رو شوند. نداشتن مدیریت مالی در بیشتر فرزندان خانواده‌های پولدار دیده می‌شود زیرا در رفاه مالی بزرگ شده‌اند و چگونه خرج کردن به آنها یاد داده نشده است. همین مسئله باعث شده است تا اغلب زنان در زندگی زناشویی به همسران خود به چشم یک عابر بانک نگاه کنند و درکی از شرایط موجود نداشته باشند. موضوعی که علت اصلی بروز اختلافات در بین خانواده‌های مرفه است.

تقلید از زندگی غربی و ناهمخوانی این فرهنگ با زندگی اجتماعی ما هم در طلاق ثروتمندان مؤثر است؟

بله متأسفانه. زوج‌های قشر مرفه و ثروتمندان ما اغلب سفرهای زیادی به کشورهای دیگر دارند در این سفرها الگوبرداری‌هایی از سبک زندگی غربی می‌کنند که در هنگام بازگشت به کشور خود نمی‌توانند این الگوها را با شرایط واقعی جامعه خود تطبیق دهند. به‌خاطر همین بهانه‌گیر می‌شوند و این بهانه‌گیری‌ها باعث می‌شود تا اختلاف جدی و اساسی در زندگی خود شکل دهند.

نوع جدایی‌های زوجین قشر مرفه هم تاسی گرفته از این غلبه فرهنگ غربی بر زندگی‌شان است؟

متأسفانه در صحبت با خیلی از این زوج‌ها، عنوان می‌شود دو نفر باید تا وقتی که از بودن کنار هم لذت می‌برند به زندگی مشترک ادامه دهند. درست مانند غربی‌ها و اگر احساس کردند دیگر آن شور و حرارت سال‌های اول زندگی را ندارند، باید در سایه توافق و همراهی از یکدیگر جدا شوند. در واقع از آن به‌عنوان نوعی روشنفکری هم یاد می‌کنند.

و در بین زوج‌هایی که فرزندی ندارند این تصمیم راحت‌تر گرفته می‌شود؟

بله ما متأسفانه امروز با موجی از مخالفت زوج‌های ثروتمند با فرزندآوری روبه‌رو هستیم. خیلی‌هایشان معتقدند زیر ده سال اصلا نباید به فکر بچه‌دار شدن باشند و متأسفانه این تفکر به تبعیت از این قشر بین سایر زوج‌های دیگر در حال گسترش است. نداشتن فرزند مشترک بقاء زندگی مشترک در بین زوج‌ها را کم کرده است.

برای کاهش آمار این طلاق‌ها چه باید کرد؟

طلاق در بین قشر مرفه ریشه در مشکلات فرهنگی دارد و باید با شناسایی این مشکلات و سرمایه‌گذاری در جهت رفع آنها بکوشیم.